

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان - 12 / آبان / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید جوانان عزیز، فرزندان عزیز محبوب این ملت؛ نسل نو و پُرشور و تشنه‌ی تلاش و کار. امروز بحمدالله نسل جوان کشور ما این خصوصیات را دارند: سرشار از نیرو و توان و انگیزه و آماده‌ی برای هر کاری که احساس وظیفه کنند که باید این کار را انجام داد؛ این چیزی است که انسان در غالب نسل جوان کشور مشاهده میکند. خب این ذخیره‌ی بزرگی است، این خیلی ارزش دارد؛ وجود انبوه جوانان - میلیون‌ها جوان - در کشوری که این همه ظرفیت کار و تلاش دارد، یک نعمت بزرگی است.

من همین جا تنبّه بدهم این مطلبی را که بارها و بارها تکرار کرده‌ام؛ (۱) سیاستی وجود دارد که این نعمت را از ملت ایران سلب کند؛ نعمت وجود جوانان انبوه و فراوان را. نتیجه‌ی این مسئله‌ی تحدید نسل، ده سال دیگر، پانزده سال دیگر این خواهد بود که شما دیگر کشور را متراکم از نسل جوان مشاهده نخواهید کرد؛ و اینکه بنده این همه تکرار میکنم، تأکید میکنم، هشدار میدهم، به خاطر این است. بعضی از خطرات و اقدامات خطرناک هست که اثر آن بعد از ده سال، بیست سال ظاهر خواهد شد، آن وقتی که دیگر کاری هم نمیشود کرد. البته مسئولین محترم به بنده قول داده‌اند که با جدّیت این مسئله را دنبال کنند، مشکلات را برطرف کنند، که ان شاء الله همین کار را هم باید بکنند و خواهند کرد؛ [ما هم] تعقیب میکنیم موضوع را.

به هر حال، وجود جوانان، وجود شما عزیزان برای کشور یک نعمت است؛ در خطّ مستقیم، صراط مستقیم خودتان را حفظ کنید، نگه دارید. این کشور به شما احتیاج دارد؛ به معنای واقعی کلمه احتیاج دارد. باید شما بسازید این کشور را؛ شما باید پیش ببرید این کشور را؛ نسل جوان باید این کار را بکند. البته از آن جوانی که در خطّ مسائل حقیر مادی و موادّ مخدر و مانند اینها است که خب توقّعی نیست؛ آن جوان پُرانگیزه، آن جوان بااحساس، آن جوانی که احساس مسئولیت میکند - یعنی شماها، یعنی مجموعه‌ی جوان متدین کشور - اینها هستند که آینده را خواهند ساخت.

امروز یک مطلب راجع به آمریکا عرض میکنم - چون مناسبت این نشست ما و دیدار ما، یک مسئله‌ی مربوط به آمریکا است - یک مطلب هم بعداً ان شاء الله اگر وقت بود درباره‌ی مسائل داخلی خودمان، مسائل کشور عرض خواهم کرد.

در مورد آمریکا این را من به شما عرض بکنم که آمریکا از آبان سال ۴۳ که رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا در ایران، امام عزیز ما را تبعید کرد، تا آبان سال ۹۸ که الان باشد، هیچ تغییری نکرده؛ آمریکا همان آمریکا است؛ همان گرگ‌صفتی آن روز، امروز هم در آمریکا هست؛ همان دیکتاتوری جهانی و بین‌المللی، امروز [هم] در آمریکا وجود دارد. آن روز هم آمریکا یک دیکتاتور بین‌المللی بود و در مناطق مختلف دنیا ژاندارم‌هایی داشت، ژاندارم و مزدور این منطقه‌اش محمدرضای پهلوی بود، جاهای دیگر هم کسان دیگر بودند؛ امروز هم همان دیکتاتوری وجود دارد، البته با شیوه‌های جدیدتر، با ابزارهای تازه‌تر؛ همان گرگ‌صفتی، همان دیکتاتوری بین‌المللی، همان شرارت، همان

حدناشناسی - هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسند - آمریکا همان آمریکا است. بله، امروز آمریکا ضعیف‌تر شده؛ از سال ۴۳ آمریکا ضعیف‌تر شده، لکن در عین حال، هم وحشی‌تر شده هم وقیح‌تر شده؛ این آمریکا است.

آمریکا با ایران دشمنی کرد؛ در طول تاریخ ارتباط آمریکا با ایران، آمریکا همیشه با ایران دشمنی کرده؛ حتی در آن رژیم طاغوت. دشمنی آمریکا با ایران، قبل از انقلاب عبارت بود از اینکه یک دولت ملّی را در سال ۱۳۳۲ با کودتا ساقط کرد؛ مأمور آمریکایی با چمدان دلار آمد تهران، رفت در سفارت انگلیس پنهان شد، از آنجا شروع کرد پول دادن، دلار پخش کردن، کسانی را استخدام کردند، کودتایی به وجود آوردند و دولت ملّی را ساقط کردند؛ البته آن دولت هم تقصیر داشت - تقصیرش هم این بود که به آمریکا خیلی اعتماد کرده بود - اما این کار را کردند و دولت فاسد وابسته‌ی به خودشان را در کشور تشکیل دادند؛ دیگر از این دشمنی بالاتر نمیشود. بر نیروهای مسلّح ما مسلّط شدند، بر نفت ما مسلّط شدند، بر سیاستهای کشور ما مسلّط شدند، بر فرهنگ ما مسلّط شدند، تسلّط کامل. از سال ۱۳۳۲ که کودتای بیست‌وهشتم مرداد اتفاق افتاد تا انقلاب یعنی تا سال ۱۳۵۷، این حالت ادامه داشت. این دشمنی آن دوره‌ی با ملّت ایران و با کشور ما؛ بعد از انقلاب هم که خب معلوم است، تا امروز همه‌اش یا تهدید بوده یا تحریم بوده یا بدگویی بوده یا مشکل‌تراشی بوده، یا نفوذ بوده؛ اینها دائم با ایران و ایرانی بدی کردند.

بعضی‌ها تاریخ را تحریف میکنند؛ خود آمریکایی‌ها این کار را میکنند؛ آن سالی که بنده رئیس‌جمهور بودم و رفتم سازمان ملل، یک خبرنگار معروف آن روز آمریکا، در سازمان ملل با بنده مصاحبه کرد و شروع اختلافات بین ایران و آمریکا را از ماجرای سفارت - لانه‌ی جاسوسی - گفت؛ گفت بله، از وقتی که جوانهای شما رفتند سفارت را گرفتند، بین ایران و آمریکا اختلاف شد؛ این تحریف تاریخ است؛ قضیه این نیست. اختلاف بین ملّت ایران و آمریکا از بیست‌وهشتم مرداد، حتی قبل از بیست‌وهشتم مرداد شروع شد؛ بیست‌وهشتم مرداد سال ۳۲ به اوج رسید. آنها بودند که نامردی کردند، خباثت کردند، ملّت ایران را با کودتا دچار یک رژیم فاسد وابسته کردند؛ شوخی نیست؛ سالهای متمادی این کشور زیر فشار رژیم وابسته‌ی به آمریکا دست و پا زد. پس مبدأ مخاصمات از بیست‌وهشتم مرداد سال ۳۲ است؛ از آن وقت. البته قبل از آن برنامه‌هایی بود، برنامه‌های ترومن (۲) - که زمان نوجوانی ماها است؛ بنده تا حدودی یادم هست - که حالا آنها ظاهر دوستانه و باطن خصمانه [داشت]، لکن در قضیه‌ی بیست‌وهشتم مرداد دیگر همه چیز روشن و واضح بود؛ آمریکایی‌ها آمدند وسط میدان و در یک کشور مستقل با یک دولتی که دولت ملّی و مردمی هم بود و به آنها اعتماد هم کرده بود - مصدّق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد و چوبش را خورد - آمدند در یک چنین کشوری کودتا کردند و یک رژیم فاسد خبیث ظالم بی‌رحمی را سر کار آوردند. همان ایّام، ملّت ایران نسبت به آمریکا موضع قلبی و حقیقی گرفت. ببینید؛ امام بزرگوار ما در سال ۴۲، یعنی ده سال بعد از ماجرای کودتای بیست‌وهشتم مرداد که این مبارزات اسلامی و مردمی شروع شده بود، گفتند که هیچ کس از مردم دنیا پیش ملّت ایران منفرّتر از رئیس‌جمهور آمریکا نیست؛ یعنی امام در سال ۴۲ ملّت خودش را می‌شناخت؛ یک چنین حالتی وجود داشت.

انقلاب اسلامی اساساً علیه آمریکا بود؛ این را شما جوانهای عزیز ما بدانید! این انقلاب اسلامی که در سال ۵۷ به رهبری امام و با حضور عامّه‌ی مردم که وارد میدان شدند و رژیم پادشاهی فاسد را از بین بردند و جمهوری اسلامی سر کار آمد، اساساً علیه آمریکا بود؛ شعارهای مردم، شعارهای گروه‌هایی که در خیابانها راه میرفتند و خودشان را در معرض خطر قرار میدادند، شعارهای ضدّ آمریکایی بود؛ آمریکا هم در این مدّت - یعنی از سال ۵۷ تا امروز که ۴۱ سال است - هر کاری بلد بوده در دشمنی علیه ملّت ایران انجام داده؛ هر کاری که میتوانسته بکند و بلد بوده انجام بدهد، علیه ملّت ایران انجام داده؛ از کودتا، از تحریکات، تجزیه‌طلبی‌ها، محاصرات و مانند اینها؛ میبینید دیگر؛ حالا الحمدلله جوانهای امروز باهوشند؛ در دوره‌ی جوانی ما، جوانها مثل امروز شما متوجّه و آشنای با اوضاع و مانند اینها نبودند. شماها می‌بینید که هر کاری آمریکایی‌ها توانسته‌اند در این مدّت کرده‌اند، بخصوص با نهادهای

برخاسته‌ی از انقلاب، از جمله با خود نظام اسلامی؛ با خود جمهوری اسلامی که برخاسته‌ی از انقلاب است، هر چه توانسته‌اند دشمنی کرده‌اند. البته ما هم از این طرف بیکار نبوده‌ایم؛ ما هم از این طرف هر کار توانسته‌ایم، در مقابل آمریکا کرده‌ایم، در موارد زیادی هم طرف را گوشه‌ی رینگ برده‌ایم؛ نتوانسته از خودش درست دفاع کند، این هم کاملاً واضح است، همه‌ی دنیا می‌بینند.

ولی مهم‌ترین پاسخی که جمهوری اسلامی در مقابل توطئه‌های آمریکا به آمریکا داده -من می‌خواهم شما جوانها به این نکته توجه کنید- این بوده که راه نفوذ مجدد سیاسی آمریکا به کشور را بسته؛ جمهوری اسلامی راه ورود دوباره‌ی آمریکا به کشور را و نفوذ دوباره‌ی آمریکا در ارکان کشور را بسته. این منع از مذاکره که گفته می‌شود «مذاکره نکنیم، مذاکره نکنیم»، یکی از موارد و ابزارهای همین جلوگیری و بستن راه ورود آمریکا است. برای آمریکایی‌ها البته خیلی سخت است. آمریکای متکبر مستکبر که متت می‌گذارد بر سر رؤسای کشورها و مسئولین کشورها که بنشینند با آنها حرف بزند، سالها است اصرار می‌کند که با سران جمهوری اسلامی مذاکره کند و جمهوری اسلامی امتناع می‌کند؛ این برای آمریکا خیلی سخت است. معنایش این است که در دنیا ملت‌ی وجود دارد و حکومتی وجود دارد که قدرت غاصبانه‌ی آمریکا را و قدرت طاغوتی آمریکا را و دیکتاتوری بین‌المللی آمریکا را قبول نمی‌کند و زیر بار نمی‌رود. این منع از مذاکره، یک کار صرفاً احساساتی نیست، یک منطق محکمی پشتش هست؛ راه نفوذ دشمن را می‌بندد، اقتدار جمهوری اسلامی را و اُبّهت جمهوری اسلامی را به دنیا نشان می‌دهد و اُبّهت پوشالی طرف مقابل را در برابر چشم همه‌ی جهانیان می‌شکند، [چون] پشت میز مذاکره‌ی سیاسی با آنها نمی‌نشیند.

بعضی خیال می‌کنند که مذاکره‌ی با آمریکا مشکلات کشور را حل می‌کند؛ این اشتباه بزرگی است، صددرصد اشتباه می‌کنند. طرف مقابل، نشستن ما پشت میز مذاکره و قبول مذاکره از سوی ایران را به معنای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی میدانند؛ می‌خواهد بگوید که ما بالاخره با فشار اقتصادی، با تحریم‌های شدید توانستیم ایران را به زانو دریاوریم تا بیاید با ما بنشیند پشت میز مذاکره. می‌خواهد این را به دنیا تفهیم بکند، می‌خواهد اثبات کند که سیاست «فشار حداکثری» یک سیاست درستی است و این سیاست اثر کرد، جمهوری اسلامی را بالاخره آورد پای میز مذاکره نشاند؛ بعد هم هیچ امتیازی نخواهد داد؛ این را من به شما عرض می‌کنم. قطعاً و یقیناً اگر چنانچه مسئولین جمهوری اسلامی ساده‌لوحی می‌کردند و میرفتند می‌نشستند که با مسئولین آمریکایی مذاکره کنند، هیچ چیز گیرشان نمی‌آمد؛ نه از تحریم‌ها کم میشد، نه از فشارها کم میشد. به مجرد اینکه مشغول مذاکره میشدند، توقعات جدیدی و تحمیل‌های جدیدی مطرح میشد؛ از جمله اینکه موشک‌هایتان این جور باشد، موشک نداشته باشید، بُرد موشک‌هایتان از ۱۰۰ کیلومتر، ۱۵۰ کیلومتر بیشتر نباشد. امروز به توفیق الهی، جوانه‌ای ما موشک‌های دقیقی درست می‌کنند که ۲۰۰۰ کیلومتر بُرد دارد؛ سر ۲۰۰۰ کیلومتری، به فاصله‌ی خطای یک متر، به هر جا می‌خواهند می‌خورد؛ خوب این برای اینها سخت است. او می‌گوید باید این موشک‌ها را شما از بین ببرید، نابود کنید، موشکتان فقط ۱۵۰ کیلومتر بُرد داشته باشد؛ خوب اینها را مطرح می‌کنند. اگر قبول کردید که پدرتان درآمده، اگر قبول نکردید همین آش است و همین کاسه؛ باز دوباره شروع می‌کنند و همین چیزهایی را که امروز می‌گویند، آن روز خواهند گفت؛ طرف مقابل هیچ امتیازی به شما نخواهد داد.

این تجربه‌ی کوبا، تجربه‌ی کره، مقابل چشم شما است؛ با مسئولین کره‌ی شمالی قربان صدقه‌ی هم، هم رفتند، مذاکره که هیچ! این گفت من عاشق او هستم، او گفت من [هم]؛ (۳) نتیجه چه شد؟ یک ذره از تحریم‌ها را کم نکردند؛ اینها این جوری هستند؛ امتیاز نمی‌دهند، شما را از موضع خودتان فرود می‌آورند، به دنیا نشان می‌دهند که ما ایران را به زانو درآوردیم و سیاست فشار حداکثری ما موفق بود، آخر هم هیچ چیز گیر شما نمی‌آید؛ مذاکره این است. حالا یک دولت [هایی] هم -فرض کنید دولت فرانسه- می‌آیند واسطه می‌شوند اصرار می‌کنند، نامه، تلفن، بیا برو، ملاقاتهای متعدد در نیویورک و مانند اینها که «باید ملاقات کنید». رئیس‌جمهور فرانسه (۴) گفته بود اگر یک

ملاقات بکنید همه‌ی مشکلات حل میشود؛ آدم واقعاً تعجب میکند. یا باید بگوییم ایشان خیلی ساده است یا باید بگوییم همدستند با هم؛ یکی از این دو تا است. هیچ مشکلی با ملاقات و با مذاکره حل نخواهد شد؛ هیچ مشکلی من یقین داشتم که این عملی نخواهد بود، اما برای اینکه برای همه روشن بشود گفتیم خیلی خب، اینها از خطایی که کردند و از برجام خارج شدند برگردند و همه‌ی تحریمها را بردارند، بعد در مجموعه‌ی برجام شرکت کنند، حرفی نداریم؛ بنده میدانستم این نمیشود، خب نشد، قبول نکردند. اگر مرضی ندارند، اگر راست میگویند خب همین را قبول کنند؛ نخیر هیچ مشکلی را نمیخواهند [برطرف کنند]. خواسته‌های جدیدی را مطرح میکنند که طرف ایرانی قطعاً نخواهد پذیرفت؛ معلوم است دیگر؛ [میگویند] شما در منطقه فعال نباشید، شما به مقاومت کمک نکنید، شما در فلان کشور و فلان کشور حضور نداشته باشید، شما موشک نداشته باشید؛ از تحمیلات این جوری، یواش‌یواش میرسند به جاهای دیگر؛ [میگویند] شما روی مسئله‌ی حجاب تکیه نکنید، روی مسئله‌ی قوانین دینی تکیه نکنید؛ از این حرفها مطرح خواهند کرد، خواسته‌های آنها حدّ یقف که ندارد. بنده چند سال قبل از این همین جا در حسینیه گفتم به کسانی که مسئول بودند؛ گفتم شما به من بگویید آنجایی که آمریکا متوقف خواهد شد و دیگر توقع جدیدی ابراز نکرده کجا است، ما بدانیم؛ حدّ یقف که ندارد. اینها دنبال ایجاد همان حالتی هستند که قبل از انقلاب در این کشور بود. این انقلاب علیه آمریکا بود؛ اینها میخواهند [این حالت را] برگردانند؛ و انقلاب قوی‌تر از این حرفها است، جمهوری اسلامی محکم‌تر از این حرفها است، اراده‌ی حاکم بر جمهوری اسلامی به توفیق الهی، اراده‌ی پولادین و عزم راسخ است و اجازه نخواهد داد که آمریکا دوباره با این ترفندها به کشور برگردد. خب فعلاً همین قدر برای آمریکا بس است. (۵)

پپردازیم به مسائل داخلی. یک جمله‌ای راجع به مسائل داخلی من میخواهم عرض بکنم که قابل توجه مسئولین محترم و بخشهای مختلف دولت هم که خب واقعاً دوست دارند کار کنند، هست. البته در مسائل داخلی، مسائل متعددی داریم؛ در زمینه‌ی اقتصاد، در زمینه‌ی فرهنگ، در زمینه‌ی علوم و تحقیقات، در زمینه‌ی مسائل اجتماعی مسائلی داریم لکن من روی یک مسئله میخواهم تکیه کنم و آن همان موضوعی است که در پیام اول سال به عنوان شعار امسال عرض کردم به ملت ایران و مطرح کردم و آن مسئله‌ی رونق تولید است. هشت ماه گذشت! البته در این هشت ماه کارهای خوبی انجام گرفته، این را من به شما بگویم؛ کارهای خوبی شده، بخشهایی هم هست که احتیاج دارد به اینکه کار بشود. بنده اول سال این را به ملت ایران عرض کردم که کلید حلّ مشکلات اقتصادی کشور و مسائل اقتصادی کشور، مسئله‌ی تولید است؛ بنده اقتصاددان نیستم، این حرف اقتصاددان‌ها است، اجماعی همه‌ی اقتصاددان‌ها است. بعد از آن هم که ما شعار سال را اعلام کردیم، هر کسی از صاحب‌نظران اقتصادی که در روزنامه‌ها و در فضای مجازی و غیره حرف زدند، همین را تأیید کردند، گفتند که رونق تولید، کلید حلّ مشکلات اقتصادی کشور است؛ اشتغال را به وجود می‌آورد، بیکاری جوانها که مشکل بزرگی است با اشتغال از بین میرود، ثروت ملی به وجود می‌آید، رفاه عمومی به وجود می‌آید؛ حتی پیشرفت علمی به وجود می‌آید؛ وقتی تولید رونق پیدا بکند، کارخانجات، دستگاه‌های صنعتی، دستگاه‌های کشاورزی، احساس احتیاج میکنند به شیوه‌ها و روشهای علمی، دانشگاه‌ها وارد میدان میشوند، رونق علمی هم به وجود می‌آید؛ یعنی کلید حلّ مشکلات اقتصادی کشور، عبارت است از مسئله‌ی رونق تولید که ما امسال اعلام کردیم. خب من میخواهم عرض بکنم ما در زمینه‌ی اقتصاد کشور مشکلات داریم دیگر؛ این گرانی، این تورّم، این کم‌ارزش شدن پول ملی، خب اینها به مردم فشار می‌آورد؛ اگر بخواهیم اینها برطرف بشود، تنها راه همین است که پردازیم به مسئله‌ی تولید ملی.

یکی از وزرای محترم - وزیر محترم صنعت - یک حرف خیلی خوبی زد که بنده خرسند شدم؛ قول داد، گفت هر جایی، هر واحد تولیدی صنعتی‌ای که دچار مشکل بشود و بخواهد تعطیل بشود، ما میرویم سراغش و نمیگذاریم. خیلی خب، این قول است، باید پای این قول بایستند و دنبال کنند؛ این عالی است؛ حالا این مال بخش صنعت است [اما] مسئولین کشور در بخشهای مختلف همین جور باید باشند؛ راه دیگری وجود ندارد.

به انتظار دیگران و خارجی‌ها نمیشود ماند برای رفع مشکلات کشور، بلکه این انتظار ضربه میزند به پیشرفت اقتصادی کشور. یک مدتی منتظر بمانیم به خاطر برجام؛ یک مدتی منتظر بمانیم به خاطر اینکه ببینیم آیا رئیس جمهور آمریکا آن مهلت سه ماه سه ماه را که در قرارداد برجام متأسفانه گذاشتند - ویور- (۶) تمدید میکند یا نه؛ [یعنی] ویور رئیس جمهور آمریکا تمدید میشود یا نمیشود؛ یک مدتی معطل بمانیم برای اینکه ببینیم برنامه‌ی فرانسوی‌ها و رئیس جمهور فرانسه [چه میشود]، خوب همه‌اش شد انتظار؛ در حال وجود انتظار، سرمایه‌گذار اقتصادی سرمایه‌گذاری نمیکند، تکلیفش معلوم نیست، فعال اقتصادی تکلیفش معلوم نیست، خود این انتظار کشور را به رکود و عقب‌ماندگی میکشاند. چقدر انتظار بکشیم؟ رها کنید؛ حالا من نمیگویم رابطه‌ها را قطع کنید، نه؛ رابطه‌ها هم باشد، [اگر] کسی میتواند کاری بکند، بکند، منتها دل نبندید به آنها، دل ببندید به داخل، در داخل، ظرفیتهای خیلی زیاد است. آقا! استاندار یک استان همین چندی پیش به بنده گفت که من در طول چند ماه توانستم در این استان ۹۰ هزار میلیارد تومان قرارداد ببندم. میدانید ۹۰ هزار میلیارد تومان یعنی چه؟ یعنی یک چهارم بودجه‌ی کل کشور؛ یک استاندار این را میگوید؛ خوب ظرفیتهای ما اینها است. حالا اگر از این ۹۰ هزار میلیارد، فرض بفرمایید نصفش هم تحقق پیدا نکند، دو سومش هم تحقق پیدا نکند، ۳۰ هزار میلیارد تومان مگر کم است؟ این مال یک استان است. خوب دنبال کنید، تحقیق کنید، پیگیری کنید، ظرفیتهای کشور اینها است، از این ظرفیتهای باید استفاده کرد.

خب رونق تولید؛ یکی از راههای رونق تولید جلوگیری از واردات کالاهای تولید داخل است. چرا جلوگیری نمیکند؟ من سؤال جدی دارم از مسئولین محترم؛ نگذارید. کسانی هستند که با واردات تنفس میکنند، حیاتشان، ثروت بادآورده‌شان، امکاناتشان بستگی دارد به واردات؛ [لذا] نمیگذارند جلوی واردات زائد و بی‌رویه گرفته بشود؛ اینها مقدمند یا آن جوان بیکار مقدم است؟ جوان بیکار کشور با واردات بی‌رویه که تولید داخلی را به شکست میکشاند، بیکار میماند. علاج قطعی همین است که ما بتوانیم این برنامه‌های درست و این سیاستهایی را که ابلاغ شده است، به مسئولین محترم - چه به دولت، چه به مجلس - برنامه‌ریزی کنیم و عملیاتی کنیم و تحقق ببخشیم؛ این راه برون‌رفت کشور از مشکلات است.

من به شما عرض بکنم در آخر صحبت، ظرفیتهای ما زیاد است، ظرفیتهای کشور خیلی زیاد است، ما به حول و قوه‌ی الهی، به کوری چشم آنهايي که نمیتوانند ببینند، از همه‌ی مشکلات بیرون خواهیم رفت. خدا شماها را برای کشور نگه دارد، خدا ان شاء الله شماها را حفظ کند، خدا ان شاء الله به همه‌ی مسئولین دلسوز کشور توفیق بدهد تا بتوانند وظایفشان را به بهترین وجهی انجام بدهند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) از جمله، بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس (۱۳۹۷/۱/۱)

(۲) هری ترومن (رئیس‌جمهور اسبق آمریکا)

(۳) خنده‌ی حضار

(۴) امانوئل مکرون

(۵) خنده‌ی حضار

تحریم رفع، پوشی چشم؛ Waiver (۶)